

كتاب الجدرى والحصبه

(كتاب آبله و سرخك)

تأليف : ابوبكر محمد پسر زكرياى رازى طبيب و فيلسوف و شيميست نامدار ايران

بقلم : دكتور محمود نجم آبادى

وصف آنها بسيار نيكو برآمده ، بدین لحاظ این كتاب مقام بزرگى در عالم طب پيدا کرده است .

از نظر تاريخ طب این كتاب درمیان كتب طبى اسلامى بسيار مهم و معتبر است ، چرا كه اولین شرحى كه با كمال دقت و سادگى و تحقيق از دو بيمارى آبله و سرخك در عالم طب بيان شده ، توسط طبيب بزرگ ايرانى بعمل آمده است .

از نظر فن طبابت ، كتاب بالا اثرى نفيس است ، كه در آن رازى مجموعه تجارب و ملاحظات يك طبيب مجرب كه بيماران را با تعمق فوق العاده دیده ، سپس نتايج گزارش آنها را در آن نگاشته و سير هردو بيمارى را از ابتدا تا انتها بسيار منظم برشته تحرير در آورده است .

این كتاب را سابقاً بنام و كتاب طاعونى هميشناختند ، زیرا كه مترجم آن ژ. والا (G. Valla) آن را تحت عنوان (De Pestilentia)

۱- مقدمه و معرفى كتاب : كتاب «آبله و سرخك» تأليف ابوبكر محمد پسر زكرياى رازى از اهم كتب مفيده استاد است .

مورخان و تذكره نويسان از این كتاب يا رساله در مؤلفات خود ياد نموده اند .

ابن النديم صاحب «الفهرست» و ابوريحان بيرونى در رساله‌اى كه در باب فهرست كتب رازى تأليف نموده و جمال الدين قفطى در كتاب « اخبار العلماء باخبار الحكماء » تحت عنوان « كتاب الجدرى والحصبه » ، ولى ابن ابي اسبيبه در « عيون الانباء فى طبقات الاطباء » كتاب بالا را تحت عنوان « مقاله فى الجدرى والحصبه » ، اسم برده اند .

كتاب آبله و سرخك يكي از ارزنده ترين يا ارزنده ترين اثر رازى است و از نظر آنكه محمد زكرياى رازى اولین طبيبى است ، كه دو بيمارى آبله و سرخك را بخوبى شناخته و از عهده

ترجمه نموده است. مقالات و ابواب کتاب «آبله و سرخک» تمام از دوره کمون یا دوره نهفتگی بیماری (Incubation) و سرایت (Contagion) و دوره بیماری و بحران (Crise) و خطرات و عواقب و عوارض (Complications) و تقدمة المعرفة (Pronostic) و درمان و احتراز بیمار غذاها و جمیع مسائل مربوط به این دو بیماری را بمانند کتب طبی امروزی، که يك يك مباحث بیماری را که جداگانه با شرح کامل بیان میگردد، بقلم استاد برشته تحریر درآمده است.

بسیاری از مورخان و مطلقان غربی را عقیده آن است که کتاب «آبله و سرخک» رازی بزرگترین مؤلفات وی میباشد و نسبت به این کتاب اهمیت فوق العاده قائل میباشند.

برای نمونه ترجمه عبارتی که دکتر آ. کاستیلیونی ایتالیائی (A. Castiglioni) استاد تاریخ طب پادوا (پادو) (Padoue = Padova) از شهرهای ایتالیا) در کتاب نفیس خود بنام «تاریخ طب» (Histoire de la Médecine) درباره این کتاب نگاشته نقل مینمایم:

«از نظر تاریخ طب مهمترین اثر رازی کتاب تألیفی وی در باب آبله و سرخک است، که ابتدا بنام «کتاب طاعونی» (le Livre de Pestilence) انتشار یافته و اول دفعه در شهر ونیز (Venise) سال ۱۴۹۸ میلادی چاپ شده است؛

«این کتاب تحقیقاً بر اساس تجارب و ملاحظات شخصی طبیبی عملی است، که بیمار را عمیقاً معاینه نموده و این نتیجه تجارب بسیار دانشمندانه اش میباشد؛

«این کتاب اولین اثر مطالعه ای و دقیقی است که ما درباره بیماریهای عفونی می بینیم».

سایر نویسندگان تاریخ طب بشرح ایضا برای کتاب آبله و سرخک ارج و مقامی بلند قائل میگردند، خاصه آنکه رازی علاوه بر تشخیص افتراقی (Diagnostic différentiel) بین دو بیماری بالا، اول دفعه از آبله مرغان (Varicelle) نام برده است.

چنانکه آمد اول دفعه این کتاب توسط ژ. والا سال ۱۴۹۸ میلادی در شهر ونیز (ایتالیا) به لاتینی تحت عنوان

(De Pestilencia) و سپس سال ۱۵۴۸ میلادی توسط و.ژ. گوپل (V. Jaques Goupyl) به یونانی و سال ۱۵۵۸ میلادی لاتینی آن به زبان فرانسه توسط کلن (Collin) در شهر پواتیه [از شهرهای فرانسه (Poitier)]، آنکاه سال ۱۷۶۶ توسط مد (Mead) و جان چپینگ (Jean Channing) بزبان انگلیسی در انگلستان و سال ۱۷۶۷ میلادی توسط ژ. پوله (J. J. Poulet) مجدداً بفرانسه و در سال ۱۸۴۸ میلادی از طرف «انجمن سید نهام» (Seydenham) توسط گرین هیل (Greenhill) و سال ۱۸۶۶ میلادی ترجمه لاتینی آن در لندن تجدید چاپ و در سال ۱۸۷۲ میلادی اصل رساله عربی در بیروت توسط وان دیک (Van Dyck) چاپ گردیده است، که نگارش این مقاله از روی کتاب مزبور است.

ایضا در سال ۱۹۱۱ میلادی توسط ک. اپیتس آلمانی (K. Opitz) به آلمانی ترجمه و چاپ گردیده است.

از آن گذشته این کتاب قریب چهل مرتبه در شهرهای پال (سوئیس) (Bâle) و گوتینگن (Göttingen) و لندن و پاریس چاپ گردیده است.

با توجه به سطور بالا چنین مستفاد میگردد، که تعداد ترجمه ها و چاپهای کتاب «آبله و سرخک» رازی بیش از اغلب کتب طبی در تمدن اسلامی میباشد و این امر بزرگترین مزیت تألیف استاد رازی میباشد.

در خاتمه اضافه مینماید که سال ۱۳۴۳ در جشن بزرگداشت رازی از طرف دانشگاه تهران کتاب بالا توسط این جانب ترجمه و با تعلیقات و شرح و حواشی به چاپ رسیده است.

۴- چند نکته تاریخی قابل ملاحظه در باره بیماری آبله - رازی معتقد بوده که جالینوس علاوه بر آنکه از آبله اطلاع داشته در کتاب «قاطا جانس» از مرهمی توصیف نموده و گفته است: «مرهم مزبور برای فلان نبض و فلان مرض و برای آبله نافع است»؛ عده ای از مطلقان و محققان را عقیده آن است که آبله در خاور میانه قدیم نیست. این نظر چندان صحیح بنظر نمیرسد، برای آنکه این بیماری از دوران خیلی قدیم در خاور میانه وجود داشته و بموجب

تحقیقات محققان سازمان بهداشت جهانی (Organisation Mondiale de la Santé) آبله بهمان اندازه قدیمی است که پیدایش بسیاری از کوهها و تپهها. آثاری که بر صورت رامس پنجم (Ramsès V) سلطان مصر است، در نتیجه آبله میباشد. (روز بهداشت جهانی هفتم آوریل ۱۹۶۵ - قسمت پنجم درباره آبله).

رازی انتقال بیماری را توسط عاملی (مخمر) از راه خون میدانسته است. این مطلب را یکی از دانشمندان تاریخ طب بنام چارلز گرین کمستون (Charles Greene Cumston) در کتاب تاریخ طب خود چنین استنباط کرده است: «... حال اگر این عقیده را با علت امروزی مطالعه نمائیم و بجای مخمر (Ferment) مثلاً باکتری (Bactérie) یا ویروس (Virus) گذاریم می بینیم که فرض هزارسال قبل رازی امروزه نیز قابل قبول است».

خاقانی شاعر بلند پایه ایران گوید:

«نه ماه غذای فرزند از خون حیض باشد

پس آبله برآرد صورت شود مجدر»

«نه ماه خون حیضی چون آبله برآرد

سه ساله خون خلقی آخر چه آورد بر؟»

رازی نقل از کتاب «منافع الاعضاء» جالینوس گوید: «باقیمانده غذاها که تبدیل به خون نگردیده، در اعضاء میماند و متعفن شده میکنند و چند روزی، که باین حالت ماند، در محل سرخی ایجاد نموده و تولید آبله می نماید».

آنکه رازی پس از ذکر اقوال مختلفه و تشریح مزاج کودک و نوباوه و نوجوان و مسن و پیر و اینکه خون در بدن آنان به چه نحو نضج میگردد، در کتاب آبله و سرخک گوید: «آبله بهنگام غلیان و عفونت خون بوجود میآید، تا بخارهای زائد از آن بیرون روند، تا خون دوران کودکی که شبیه به عصاره های مرطوب است، بخون دوران جوانی، که مانند شراب پخته آماده است، تبدیل گردد».

«آبله بالذات شبیه بهمان غلیان و جوشهایی (جوش یا حباب) است که در عسارات در این هنگام پیدا میشود و از این جهت است که نوباوهگان بخصوص پسران از آن در امان نمیباشند، چه در وجود آنها انقلاب خون از این حالت بحالت دیگر ضرورت

دارد، همچنانکه انقلاب عساراتی که در حال غلیان و جوش است، بطرف حالت پس از غلیان بر میگردد و کم اتفاق می افتد که مزاج کودک یا نوباوه ای کم کم از حالتی بحالت دیگر منقلب گردد و باید در زمانی طولانی این عمل انجام شود، بطوریکه جوش و غلیان نمایان نگردد، چه چنین مزاجی باید سرد و خشک باشد».

بطور اجمال رازی انتقال بیماری آبله را توسط عاملی از راه خون می دانسته است.

(برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ترجمه کتابهای «الجدری والحصبه» تألیف رازی و «شرح جال و مقام محمد زکریای رازی» تألیف نویسنده مقاله و نیز «ترجمه کتاب تاریخ طب تألیف چارلز گرین کمستون توسط مادام دیسپان دو فلوران (Mme Dispan de Floran) و نیز «دوره مجله جهان پزشکی» از نویسنده این مقاله).

این بود مختصری از تاریخچه آبله و نظرات مختلف از اطباء پیشین و رازی.

اکنون وارد فصول و ابواب کتاب میشویم.

۳- فصول و ابواب کتاب: اکنون پردازیم به ذکر مقدمه رازی و فصول و ابواب کتاب:

«رازی گوید: شبی در مجلس مرد محترم فاضلی بودم، که به شرح دانه های سودمند و آسان گرداندن راه آنها برای مردم علاقه فراوان داشت، در آن جلسه صحبت از بیماری آبله شد. من آنچه در آن شب در نظر داشتم، بیان کردم. آن مرد که خداوند او را عمر دراز دهد، مایل بود مقاله ای در باب این بیماری بنویسم که از هر حیث نافع و جامع باشد، زیرا در باب آبله وی از هیچیک از قدما و متأخران بمنظور توضیح این بیماری بطور کامل و کافی ندیده بود، لذا این مقاله را بامید ثواب خداوند عزوجل و خشنود ساختن آن مرد نوشتم».

اکنون گفتار خود را در این موضوع شروع مینمایم و فصول آن بدین شرح است:

فصل اول: در سبب بروز بیماری آبله و آنکه، چرا فردی

نیست که از ابتلا بدان مصون ماند مگر بعضی افراد:

فصل دوم: در شرح بدنهایی که استعداد به آبله دارند و

بیان اوقاتی که معمولاً آبله در آن اوقات شروع می یابد:

فصل سوم : در علاماتی که دلالت بر جوشش آبله و سرخک مینماید ؛

فصل چهارم : در بیان اعراض (مقصود عوارض است (Complications) و دستورهای بیمار آبله‌ای بطور کلی ؛

فصل پنجم : در خوب شدن داری (تحفظ بدن) از آبله پیش از آنکه نشانه‌های آن بروز نماید و جلوگیری از ازدیاد آن پس از بروز بیماری ؛

فصل ششم : در اموری که در پیدا شدن آبله تسریع نموده و آن را بیرون میریزد و در بروز آن به طبیعت کمک مینمایند ؛

فصل هفتم : در توجه به چشم و گلو و بندها و گوش‌ها و بیان آنچه ، که در موقع ظهور علامات آبله باید، بدانها توجه داشت ؛

فصل هشتم : در موادی که (مقصود دارو و غذا است) پختگی دانه‌های آبله را تسریع و قابل نضج (نضج در اصطلاح طب قدیم حالت قبل از شفاء کامل است که میتوان آنرا پختگی

و بهبود نسبی یا قوام دانست (Amélioration) ، می‌نمایند ؛

فصل نهم : در خشک کردن دانه‌های نضج یافته آبله ؛

فصل دهم : در موادی که پوسته‌های آبله (Ecorce) و خشک ریشه‌ها (عربی آن خشک‌ریشه ماخوذ از پارسی است و مقصود ریشه‌های خشک آبله و بیماریهای جلدی است (Escarre (= Fongus) را می‌کنند ؛

فصل یازدهم : در موادی که آثار آبله را از چشم و سایر نقاط بدن می‌زدایند ؛

فصل دوازدهم : در دستور غذای بیمار آبله‌ای ؛

فصل سیزدهم : در دستور مزاج بیمار آبله‌ای از حیث لینت (Ramolissement) و بیوست (Constipation) ،

فصل چهاردهم : در بیان آبله‌های بی‌خطر و کشنده . این بود فصول مربوط به کتاب « آبله و سرخک » رازی . (دنباله مقاله در شماره آتی خواهد آمد) .

۱۳۴۶

تهران دیماه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی علوم انسانی